رئیس حوزه هنری خبرداد:

دانشنامه فرهنگ و تمدن استان منتظر تایید شورای پژوهشی

مرتضوی- راه اندازی دانشنامه فرهنگ و تمدن خراسان شمالی در انتظار تایید اعضای شورای پژوهشی قرار دارد. رئیس حوزه هنری خراسان شمالی در گفت و گو با خبرنگار ما گفت: با توجه به فراز و فرود راه اندازی دانشنامه فرهنگ و تمدن خراسان شمالی به واسطه خلف وعده های صورت گرفته از سوی سازمان برنامه و بودجه، حوزه هنری بر آن شد تا بیش از این روند راه اندازی دانشنامه را با توجه به ضرورت آن به تعویق نیندازد.«نمازی» افزود: یک ماه است که فهرستی از اعضای شورای پژوهشی را تهیه و به تهران ارسال کردیم و به محض تایید اعضا فراخوان طرح تدوین دانشنامه منتشر خواهد شد. به گزارش خبرنگار ما طرح دانشنامه ۱۰ جلدی فرهنگ و تمدن خراسان شمالی قرار بود سال گذشته کلید بخورد که به دلیل تامین نشدن اعتبار آن مسکوت ماند.برای این دانشنامه ۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال اعتبار نیاز است تا این طرح طی یک دوره ۴ ساله تدوین شود.

یک چهره

زهره دهقان

گروه ادب و هنر- از دوران ابتدایی به واسطه علاقه ای که به فعالیت های فرهنگی و هنری داشت، فعالیت های پرورشی را در کنار سرود و نمایش دنبال می کرد و کم کم حضورش را در دنیای هنر با قصه گویی در نمایش «کوراوغلی» پر رنگ کرد.«زهره دهقان» بعد از تحصیلات دانشگاهی، قصه گویی را در مهدهای کودک دنبال کرد و با برگزاری مسابقات قصه گویی، از این فرصت برای محک زدن خود بهره گرفت. او که به واسطه حضور در کارگاه آموزشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، قصه گویی را به شکل تخصصی دنبال کرد، می گوید: با وجود آن که قصه گویی تاثیر فراوانی بر تربیت کودکان و نوجوانان دارد اما بستری وجود ندارد تا علاقه مندان بتوانند به شکل درست و اصولی این هنر را دنبال کنند.

وی ادامه می دهد: با وجود اهمیت این مقوله، قصه گویی در استان بسیار مورد غفلت قرار گرفته است و انگشت شمارند افرادی که تا حدی به شکل درست و اصولی قصه گویی را دنبال می کنند.

این هنرمند بر این باور است که قصه تعریف زندگی از زبان مادربزرگ هاست و با قصه گویی می توان به دنیای دیگری سفر کرد، زیرا آن چه را که نمی توان در واقعیت دید در قصه می توان تجسم کرد و پا در دنیای آرزوها گذاشت.

او از این که سطح قصه گویی در بین مربیان مهد بسیار پایین است ابراز ناخرسندی می کند و اظهار می دارد: تنها جایی که قصه گویی را به خوبی دنبال می کند کانون پرورش فکری است اما از ظرفیت های موجود استفاده نمی شود.

وی البته نقدی هم بر قصه گویی در آموزش و پرورش دارد و از این که شیوه قصه گویی در آموزش و پرورش با استانداردهای موجود در قصه گویی فاصله دارد و اصول قصه گویی در آموزش و پرورش رعایت نمی شود، گلایه می کند و می افزاید: متاسفانه در آموزش و پرورش دانش آموزان را فراتر از کتاب نمی برند و اجازه نمی‌دهند تا تخیلات خود را ابراز کنند و با این شیوه قصه گویی اصالت خود را از دست می دهد.

«دهقان» پیشنهاد برگزاری جشنواره های قصه گویی را در استان به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می دهد و می گوید: همه ارگان ها باید به چارچوب قصه گویی پایبند باشند و مطابق آن عمل کنند.

وی البته توجه به موضوع در قصه گویی را مهم می داند و بر بهره گیری از داستان هایی که با فرهنگ ما مطابقت داشته باشد تاکید می کند و می افزاید: خوشبختانه ظرفیت هایی در ادبیات اقوام داریم که می توانیم با پرداختن به آن ها ریشه ها و داشته هایمان را حفظ کنیم. منابع غنی که کاملا با ادبیات ما هماهنگ است و این گونه می‌توانیم منابع مطالعاتی خود را گسترش دهیم.

امثال الحکم

الی باتیر، گوزی قورغاق

گروه ادب و هنر- ادبیات فارسی سرشار از مثل ها و اصطلاحاتی است که بر غنای آن افزوده است، به تبع آن ادبیات عامه نیز آیینه ای از فرهنگ قومیت هاست که پرداختن به آن اندیشه ها و تجربیات گذشتگان و دانش ها و حکمت های آن ها را به ما منتقل می کند.در این شماره به یکی دیگر از ضرب المثل هایی که در میان قوم ترکمن رواج یافته از زبان «رحیم صمدی» می پردازیم. وی با بیان این که مثل « الی باتیر، گوزی قورغاق» به منظور تشویق و انگیزه دادن برای انجام کار و رسیدن به هدف در زندگی روزمره به کار می رود، می گوید: این مثل به معنی این است که «دست کار می کند، چشم می ترسد».

داستان

هشدار

باید به تمام نی نی های هم سن و سال خودم اتفاقی را که برایم افتاد، هشدار بدهم: اگر دیدید روی زمین یک شکلات خوشگل افتاده هیچ وقت آن را نخورید؛ چون اول مزه دکمه می دهد! دوم اصلا از گلوی آدم پایین نمی رود. اگر این اتفاق برایتان افتاد، فورا به نزدیک ترین بابا و مامانی که دیدید مراجعه کنید.

مهرداد صدقی
مجموعه «مغز نوشته های یک نوزاد»

پای درد دل صنعتگران

حال زار صنایع دستی

بیابانی

صنایع دستی در هر جایی نشان از هویت یک منطقه و قوم دارد و از آن گذشته از صنایع دستی می توان به عنوان یک افتخار برای ملت و کشور نام برد. این صنعت، نتیجه سلیقه، ابتکار و از آن مهم تر خلاقیت هنرمندان و صنعتگرانی است که سنت ها و آیین و رسوم خود را در قالب پیام فرهنگی متجلی می کنند و پیوسته سعی در پاسداشت آن دارند. این در حالی است که این روزها صنایع دستی حال و روز خوبی ندارند و صنعتگران در شرایطی سخت روزگار می گذرانند.

آشفته بازار

اصلاً در این آشفته بازار نباید از مسئولان توقعی داشت، بازاری برای فروش نداریم و هر روز هم شرایط بحرانی تر می شود. اینها بخشی از صحبت های «محمدزاده» فعال صنعت چرم دوزی استان است که سال های سال در این عرصه، به شکل خانوادگی مشغول به فعالیت هستند و در این مدت تلاش کرده اند تا به هر قیمتی که شده این صنعت را در استان فعال و پویا نگه دارند، ولی این روزها دیگر شرایط برایشان به معنای واقعی بحرانی شده است.وی همچنین به اقدامات انجام شده توسط میراث فرهنگی اشاره می کند و ادامه می دهد: در صنایع دستی فقط حمایت های مالی کارساز نیست؛ خیلی وقت ها حمایت های فکری راهگشای تولید کنندگان است. به گفته این فعال صنعت چرم سازی گاهی در این شرایط احساس می شود هیچ چیزی جای خودش نیست، خیلی از هنرمندان به دلیل مشکلات پیش رو دست از تولید برمی دارند و وارد دیگر مشاغل کاذب می شوند.

انتظاری که به بار نمی نشیند

«محمد زاده» به چالش ها و سنگ اندازی های پیش روی خود اشاره می کند و می گوید: در این صنعت متأسفانه اجناس خارجی و صنعتی جای کارهای دست دوز را گرفته است. درست است که بخشی از مشکل مربوط به مسائل اقتصادی و نبود نقدینگی در میان خانواده هاست ولی بخش اعظم مشکلات ما مربوط به نبود تبلیغات در این زمینه است.وی بیان می کند: کاش حداقل دولت، یارانه ای را به فعالان این عرصه می داد تا در این شرایط صنعتگران کرکره مغازه هایشان را پایین نکشند.وی ادامه می دهد: با شرایط فعلی بهتر است حرفی نزنیم و به عمل فکر کنیم تا کشتی به گل نشسته صنعت بیشتر از این نابود نشود، اگر منتظر باشیم تا مسئولان برایمان کاری بکنند بدون شک آبی برایمان گرم نمی شود و شرایط بدتر از این خواهد شد.البته وی در میان صحبت های خود به تعطیل شدن ۲ کارخانه چرم در شیروان و بجنورد هم اشاره و آرزو می کند: صنایع دستی استان بالاخره یک روز جایگاه واقعی خود را به دست می آورد حتی شده برای اهالی همین استان.

> گفتن این که یک شهرک فرش احداث می شود دردی را از صنعتگر دوا نمی کند این یک شعار بزرگ است که تحقق آن نیاز به سرمایه بالا و فراهم آوردن زیرساخت دارد

بی رغبتی نسبت به فعالیت

«خیرآبادی» یکی از صنعتگران فرش دستباف است که به گفته خود این هنر را از اجدادش به ارث برده و با تمام توان در تلاش است تا این صنعت را سرپا نگه دارد و برای همین خود را با ناملایمات دیگر سازگار کرده است.وی بیمه نبودن بافنده های واقعی فرش را یکی از دغدغه های فعالان این عرصه می داند و می گوید: اغلب بافنده ها در خانه هایشان مشغول تولید فرش هستند؛ حالا دیگر یک کارگاه منسجم ندارم تا از آنها بخواهم برایم مستمر فرش ببافند.وی در بخش دیگری از صحبت هایش مردم استان را به لحاظ اقتصادی کم برخوردار می داند و اظهار می کند: به خاطر سود و فروش کم بافنده ها هم دیگر رغبت ندارند و همین باعث شده است که نوآوری و ابتکار در تولیدات استان به حداقل برسد.به گفته وی افرادی که

وارد این عرصه می شوند با وجود حمایت های کم دیگر رغبتی به ادامه کار ندارند و حتی تلاش نمی کنند تا بازار فروش خود را گسترده تر کنند و به جرأت می توان گفت که برخی از آنها به زحمت حجره هایشان را باز می کنند، در یک کلام این روزها بی انگیزگی موج می زند.

شرایط وخیم

«دردی مراد سهندی» نماینده خیل عظیم بافندگان راز و جرگلانی هاست، همان هایی که بی ادعا می بافند و بی نام و نشان حذف می شوند.هر روز تعدادشان کمتر می شود، درست است خرج زندگی خیلی از آنها از همین راه تأمین می شود ولی چاره چیست؟ بازاری برای فروش ندارند، اصلاً چه کسی می داند فرش دویدوخ چیست؟ مواد اولیه آن چطور تأمین می شود و چه بهایی می تواند داشته باشد؟«سهندی» در حالی این صحبت ها را به زبان می آورد که از به فراموشی سپرده شدن صنایع دستی این منطقه ابراز نگرانی می کند و می خواهد تا هرچه زودتر فکری اندیشیده شود زیرا به عقیده وی واقعاً شرایط برای بافنده های فرش در راز و جرگلان وخیم است.وی به نبود حمایت از سوی مسئولان اشاره می کند و می گوید: فقط برای این که خود را به یک نمایشگاه خارجی برسانم باید نزدیک به ۳۰ میلیون تومان خرج کنم تا بتوانم چند فرش هم همراه خودم ببرم در حالی که باید مسئولان برای ما شرایطی ایجاد کنند تا سفرمان با هزینه مالی کمتری انجام شود.

به گفته وی بسیاری از مسئولان در راز و جرگلان افراد متخصص و نام آور در صنعت صنایع دستی را نمی شناسند در حالی که این تولیدکنندگان را مسئولان کشوری می شناسند و نسبت به آنها ارادت دارند، بنابراین مادامی که خودمان برای تولیدات خودمان دل نسوزانیم نمی توانیم گامی رو به جلو برداریم.وی خاطر نشان می کند: خیلی از بافنده های فرش به دلیل کار حساس و ظریفی که انجام می دهند در جوانی نور چشمانشان به حداقل می رسد، چرا نباید این ها از بیمه برخوردار بشوند و در مقابل افرادی تحت پوشش بیمه قرار بگیرند که تاکنون حتی یک بار هم ابزار بافندگی را در دست نگرفته اند.در این میان معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی، دل پر دردی از نبود یک بازارچه دائمی صنایع دستی در استان دارد. «علی عابدی» با اشاره به این که با شعار دادن کار پیش نمی رود می گوید: آمار دقیق تعاونی ها را باید اداره تعاون اعلام کند ولی در مجموع بر اساس آمار نام ۱۵ هزار صنعتگر در استان ثبت شده است و از میان آن ها تنها درصد کمی تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند.

به گفته وی گفتن این که یک شهرک فرش احداث می شود دردی را از صنعتگر دوا نمی کند این یک شعار بزرگ است که تحقق آن نیاز به سرمایه بالا و فراهم آوردن زیر ساخت دارد، برای همین باید اول به فکر فعال کردن و رونق دادن به بازار فروش صنعتگران باشیم.وی همچنین با تأکید بر این که میراث فرهنگی نمی تواند خود به تنهایی وارد میدان شود و یک بازارچه دائمی برای فروش صنایع دستی احداث کند، تصریح می کند: شهرداری و بخش خصوصی به عنوان دو بازوی پرتوان باید در کنار این اداره کل قرار گیرند.در عین حال وی به احداث چند بازارچه دائمی برای فروش صنایع دستی در استان اشاره می کند و می افزاید: شهرداری شیروان اقدام به احداث یک بازارچه دائمی کرده و همچنین در روستای روئین اسفراین هم بازارچه ای دیگر در دست احداث است ولی همچنان بجنورد بی بهره مانده است.

بر بال خیال

آوازستون‌ها

ای خانه روشن، شب ویران تو پیداست
آوار ستون‌های هراسان تو پیداست
بر چهره بی‌رنگ بهاری که نداری
حتی ترک خنده گلدان تو پیداست
از شانه دیوار، فرو ریخته قندیل
گیسوی پریشان زمستان تو پیداست
سرشار سکوتی ولی آواز تماشا
از روزنه پلک درختان تو پیداست
زندانی دیوار مشو پنجره باز است
فریاد بزن جرأت پنهان تو پیداست

عبدالجبار کاکایی

رد پا

بی‌چاره سایه ام !
به حتم عاشقت شده است
این‌طور که ردّپای رفتنت را
قد کشیده تا غروب

رضا کاظمی

پرچین

دلتنگ توام
پشت پرچین اردیبهشت
منتظرت می مانم

سید علی صالحی

اعتراف

هوای عشق رسیده است تا حوالی من
اگر دوباره ببارد به خشکسالی من
مگر که خواب و خیالی بنوشدم ورنه
که آب می خورد از کاسه سفالی من؟
همیشه منظرم از دور دیدنی تر بود
خود اعتراف کنم بوریاست قالی من
مرا مثال به چیزی که نیستم زده اند
خوشا به من؟ نه! خوشا بر منِ مثالی من
به هوش باش که در خویشتن گمت نکند
هزار کوچه این شهرک خیالی من
اگرچه بود و نبودم یکی است، باز مباد
تو را عذاب دهد گاه جای خالی من
هوای بی تو پریدن نداشتم، آری
بهانه بود همیشه شکسته بالی من
تو هم سکوت مرا پاسخی نخواهی داشت
چه بی جواب سؤالی است بی سؤالی من!

محمد علی بهمنی

اینجا قلم بزنید

موسیقی آیین ستایش و نیایش

از شیوه های کهن و باستانی در موسیقی ایران، موسیقی نیایشی و ستایشی است. در این گونه از موسیقی به مرور زمان شاخه های بسیاری در گوشه و کنار ایران پدید آمده است که موسیقی خراسان شمالی نه تنها از آن بی بهره نیست بلکه نشانه هایی از ویژگی های منطقه ای خود را نیز دارد؛ مانند ستایش طبیعت و ستایش موجودات در طبیعت، چونان «هه سپی به دو» یا ستایش طبیعت در لالایی مادران، اما موسیقی ستایش در آیین های مذهبی دارای زبان ویژه می شود و رنگ های ملودیک آن به همین دلیل فراوان است؛ «نعت خوانی» به ۳ زبان کردی، ترکی و ترکمنی، «مناقبت خوانی» به دو زبان کردی و ترکی، «حمدیه خوانی» به ۳ زبان، «مرثیه خوانی» به سه زبان کردی، ترکی و فارسی، «مناجات خوانی» به دو زبان کردی و ترکی،«چاوش خوانی»، «صلوات خوانی»، «ذکرخوانی»، «روضه خوانی» به دو زبان ترکی و فارسی «شبیه خوانی» به دو زبان ترکی و فارسی، «توسل خوانی» به دو زبان ترکی و کردی، «مدد خواهی» به دو زبان ترکی و کردی. اما یکی از زیبایی های نهفته در این بخش از موسیقی ستایش و نیایش در خراسان شمالی، در مناجات سرایی و مناجات خوانی است. در مناجات سرایی رایج در ایران با بهره از علم «بدیع» هم از آرایه های لفظی و هم از آرایه های معنوی استفاده می شود اما زیبایی مناجات های کرمانجی و ترکی شمال خراسان که نزد مناجات سرایان به یادگار مانده بهره بردن از سجع است که در نثر فارسی حکم قافیه را در شعر دارد اما در ادبیات کرمانجی و ترکی جایگاه ویژه خود را دارد و اگر دقیق شویم سجع متوازن، سجع مطرف و سجع موازی را در مناجات های خراسان شمالی به وفور می شنویم. ردپای این گونه سجع ها را در آثار عرفانی قرن پنجم می توان دید. مسئله مهم تر این است که مناجات خوانی در آیین های شاد، توسط بخشی‌ها با دوتار انجام می شود و خود شاهدی است بر مسائل تاریخی که پیشتر عنوان شد.

آیین های دوستی و مودت

این گونه از موسیقی به بیان احساسات درونی دو طایفه یا دو ایل یا دو دوست یا فرزندان و والدین و یا دویار می پرداخت، درونمایه متنی آن در جهت تهییج و تقویت همدلی و بالا بردن روحیه جمعی بود. هم قالب ترانه، هم قالب آواز و هم موسیقی بی کلام قوشمه و سرنا و دهل را داشت و سال هاست که از آن نغمه ها، جز پاره ای اشعار که در ذهن سالخوردگان جاری است، شنیده نمی شود و ترانه «خانلروره» نمونه ای از آن بازمانده هاست.

موسیقی آیین کوچ

این موسیقی از جارها، آوازها و نغمه های سازی بهره می برد و به سه دسته تقسیم می شود:

-جار و آواز خبر و حرکت
- موسیقی و آواز حین حرکت
- موسیقی و آواز باراندازی و استراحت در مقصد

در این موسیقی، آوازهای خبر به شکل جارگونه بود و تحریرهای آن بسیار بدوی و به شکل یکسان اجرا می شد که آن هم در زمان «های» زدن صورت می پذیرفت. موسیقی حرکت را که در زمان شروع حرکت ایل می نواختند قوشمه و دهل یا سرنا و دهل به عهده داشت. نغمه «رگه کوچ» آشنای ذهن بسیاری از سالخوردگان است. موسیقی حین حرکت ایل را کمانچه نوازان عاشق یا نی چی کاروان بر عهده داشتند.گاه می‌شد که دو تار نوازان سوار بر شتر، آهنگ حرکت را می نواختند، گاه اتفاق می افتاد که به سببی مسیرهای کوچ مسدود بود و همین خود منجر به تولید اثر توسط هنرمندان با ذوق ایل های کوچرو می شد مانند ترانه «شاره جان» که بازمانده ای از ترانه های حسرت در زمان کوچ کردن است.

هوشنگ جاوید
مجموعه موسیقی خراسان شمالی

ورزش

صفحه ورزش را می توانید ۴ روز
در هفته در روزنامه خراسان شمالی بخوانید.

همچنین می توانید درد دل ها، مطالب علمی، نظرات، انتقادها و پیشنهادهای خود را در مورد اوضاع ورزش استان و صفحه ورزش از طریق شماره تلفن های دفتر روزنامه خراسان شمالی و یا ایمیل shomalinews@gmail.com باعنوان «صفحه ورزش» ارسال کنید.